

## نقش عاطفه و مهرورزی در فرآیند تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام

جعفر جاویدی

کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه پیام‌نور خوی

نام نویسنده مسئول:

جعفر جاویدی

### چکیده

عاطفه و مهرورزی در تعلیم و تربیت اسلامی از اهمیت بسیاری برخوردار است. چراکه انسان فطرتاً نیازمند محبت است و با هیچ چیز چون محبت نمی‌توان آدمی را متحول ساخت و او را به سوی کمال سیر داد. معلم بیشترین نقش را در تعلیم و تربیت دارد و یکی از بهترین شیوه‌ها در تعلیم و تربیت، استفاده از محبت و عاطفه است. در این مقاله نقش عاطفه و مهرورزی در تعلیم و تربیت اسلامی بر اساس روش کتابخانه‌ای و با استفاده از مقالات و کتاب‌هایی با موضوعات تعلیم و تربیت، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. آموزه‌های دین اسلام مؤید این اصل می‌باشند که بدون شک هیچ روشی چون محبت و عاطفه در تربیت انسان مؤثر نیست و مفیدترین روش‌های تربیت به نیروی محبت مؤثر واقع می‌گردد. جهان آفرینش بر اساس محبت و رحمت سامان یافته است. در مکتب تربیتی اسلام به عامل تربیتی عاطفه تأکید بسیاری شده است و اولیای الهی از آن بهره‌های بسیاری گرفته‌اند و آن را محور تربیت قرار داده‌اند. پژوهش حاضر نیز که در این راستا تهیه شده، بر آن است که با وجود بضاعت علمی اندک نگارنده آن به موضوع تعلیم و تربیت و نقش عاطفه و مهرورزی در آن بپردازد. این پژوهش به تعاریف تعلیم و تربیت، دیدگاه‌ها، تعریف محبت و عاطفه و نقش عاطفه و مهرورزی در فرآیند تعلیم و تربیت از نظر اسلام پرداخته که نگارنده علاوه بر تجربیات آموزشی خود به منابع مختلف نیز مراجعه داشته است.

**کلمات کلیدی:** عاطفه، مهرورزی، تعلیم و تربیت.

## مقدمه

قرآن، موهبتی است که خداوند متعال بر قلب رسول خدا (ص) نازل فرموده است تا راهنمای بشریت در رسیدن به قله‌های کمال باشد. «ما کان حدیثاً یفتی، ولکن تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل کل شیء؛ سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد، بلکه تصدیق آنچه است که پیش از آن بوده و تفصیل دهنده (روشنگر) هر چیزی است» (جعفریان یاسر، ۱۳۹۰). با توجه به آیات مبارک قرآن کریم و روایات شریفه ائمه معصومین (ع)، باید بتوانیم نظام تعلیم و تربیت قرآنی را استخراج نماییم. این نظام شامل منابع (قرآن، روایات، نظرات علما)، مبانی، فلسفه و اهداف و اصول، ساختار، برنامه، روش‌ها، شاخه‌ها و ارزشیابی هست (حاجی ده آبادی و صادق زاده قمصری، ۱۳۹۱). یکی از مهم‌ترین مبانی تعلیم و تربیت قرآنی، مبحث عاطفه و تفاوت آن با احساس است. همچنین یکی از مهم‌ترین توانایی‌ها و استعدادها هشتگانه انسان، عاطفه هست. سایر استعدادهای انسان طبق آیات قرآن (کاردان، ۱۳۹۴) و روایات شریفه؛ جسم، ذهن، قلب، عقل، تفکر، اراده و غریزه است (عبیدی، ۱۳۹۳). مبانی به مجموعه‌ای اطلاق می‌شود که استخراج شده از قرآن و روایات بوده و رویاندن ارکان و اجزاء نظام تعلیم و تربیت قرآنی را به صورت سامان یافته و برهانی فراهم نماید (رضانی مقدم، ۱۳۹۲). از مهم‌ترین محورهای مبانی تعلیم و تربیت اسلامی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: جسم، ذهن در معنی خرد و تفاوت آن با مفهوم عقل ارزشی، قلب و نسبت آن با قلب ماهیچه‌ای، عقل ارزشی و تفاوت آن با عقل حسی، تفکر، اراده، غریزه، تعریف علم و ویژگی‌های آن، کلیدواژه‌های تعلیم و تربیت و تعاریف آن‌ها و ... (ابوطالبی، ۱۳۸۹). عاطفه مختص تعلیم و تربیت اسلامی بوده و در تعلیم و تربیت غربی وجود ندارد. لذا فردی که طبق تعلیم و تربیت اسلامی و قرآنی رشد کند، عاطفه الهی در رفتارش ظهور پیدا می‌کند. عاطفه اکسیر تعلیم و تربیت اسلامی و اکسیر حیات در جامعه انسانی هست.

مهرورزی و محبت از زمره صفات ثبوتی و فعل خداوند خالقیت و ربوبیت است؛ یعنی هم آفریدگار است و هم پروردگار. جریان این دو صفت الهی در مورد انسان به توسط پدر و مادر انجام می‌شود و این دو هستند که وسیله پیدایش او در حیات مادی و رشد و تربیت او به‌ویژه در ایام کودکی‌اند. باید توجه داشت نوازش‌های بدون حد و حصر و توجه نشده و خارج از حد اعتدال، اثرات سویی را بر روان کودک بر جای می‌گذارد؛ پرتوقعی، زودرنجی، ضعف در برابر مشکلات، ناامیدی، عقده حقارت، سرخورگی از اجتماع و بسیاری فشارهای روانی دیگر، زاینده ارتباطات مهرآمیز افراطی با کودک است.

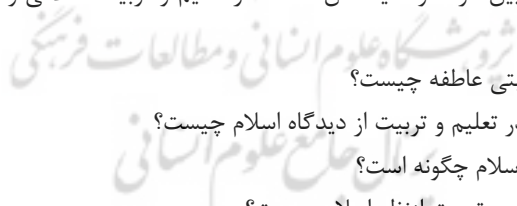
اخلاق و تربیت اخلاقی از مهم‌ترین مسائل انسانی مکتب‌ها و به‌ویژه تعلیم و تربیت انسان به شمار می‌رود. چراکه تربیت اخلاقی موجبات سعادت و رستگاری انسان را فراهم می‌سازد. پیامبر اکرم (ص) به نقل مطهری (۱۳۸۳) می‌فرماید: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» من مبعوث و برانگیخته شده‌ام برای اینکه اخلاق کریمانه را تکمیل کنم. مقوله اخلاق دارای ابعاد گوناگون همچون بعد عقل و عاطفه است و باید در مبحث تربیت اخلاقی به آن‌ها توجه داشت. عقل و عاطفه دو ارزش والای انسانی است که مانند سایر ارزش‌های انسانی در روز الست، از سوی خداوند در خمیرمایه انسان عجین شده‌اند. بدون تردید هر یک از دو نیروی عظیم عقل و عاطفه در تأمین خوشبختی و سعادت بشر سهم مستقل مؤثری دارند. بشر زمانی به کمال لایق انسانی نائل می‌شود که از این دو قدرت عظیم به طرز شایسته و با اندازه‌گیری صحیح استفاده کند. تأمین سعادت و سلامت و تحرک جامعه مستلزم هماهنگی، همدلی، همکاری و همیاری عقل با عواطف و احساسات است. ضعف و فقدان هر یک پویایی، بلکه اصل حرکت فرد و جامعه را در مسیر تربیت و رشد و تعالی به مخاطره انداخته، موجب خسارات عظیم و جبران‌ناپذیری خواهد شد. عقل هادی و راهنمای انسان به‌سوی کمال است. حکم عقل بر استدلال و برهان مبتنی و بر محاسبه و منطق استوار است. عواطف؛ محرکی توانمند، قوه و بازویی پر تحرک، ترمزی قوی و عاملی بازدارنده و ملامت‌کننده‌ای پرخاشگر است. عاطفه با محاسبه سروکار ندارد، منطق نمی‌شناسد و با استدلال و برهان بیگانه است (بوستانی، ۱۳۹۳).

عاطفه و مهرورزی در تعلیم و تربیت اسلامی از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ چراکه انسان فطرتاً نیازمند محبت است و با هیچ چیز چون محبت نمی‌توان آدمی را متحول ساخت و او را به‌سوی کمال سیر داد. معلم بیشترین نقش را در تعلیم و تربیت دارد و یکی از بهترین شیوه‌ها در تعلیم و تربیت استفاده از محبت است. معلم با توجه به رسالت خطیر خود یعنی انسان‌سازی، اگر از شیوه‌های مبتنی بر محبت استفاده کند می‌تواند به تأثیرگذاری خود یقین حاصل کند و آموزه‌های دین اسلام مؤید همین اصل می‌باشند. عاطفه و محبت عامل پیوند و ایجاد همبستگی بین افراد است و اگر آن نبود الفت و انسی در بین انسان‌ها نبود، هیچ فردی بار مسئولیت و زندگی دیگری را به عهده نمی‌گرفت، هیچ تعادل و ایثاری پدید نمی‌آمد. اعمال محبت برای همه انسان‌ها، مخصوصاً در محیط تعلیم و تربیت امر ضروری است چراکه محبت عاملی برای سلامت جسم و روان است و سبب شفای فرد از نابسامانی‌های رفتاری اخلاقی و روشی برای غنی ساختن روابط انسانی و سلامت برخوردار است (سلحشوری و یوسف زاده، ۱۳۹۰).

نقش عواطف در زندگی انسان غیرقابل‌انکار است و زندگی انسان در تمام مراحل رشد، حتی در مرحله شیرخوارگی نیز تحت تأثیر عواطف است. از علی (علیه‌السلام) روایت شده است که گفت از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌واله و سلم) درباره سنت آن حضرت پرسیدم، فرمود: «والحب اساسی»، یعنی محبت بنیاد و اساس [روش و سنت] من است (عیاض، ج ۱، ص ۱۸۷). پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌واله و سلم) والاترین مرتبی بشر، مردمان را به محبت تربیت نمود و بیش از هر چیز از این روش بهره برد. از انس بن مالک در توصیف آن حضرت چنین نقل شده

است: من اشد الناس لطفاً بالناس (ابونعیم، ج ۱، ص ۱۸۲) کان رسول الله (صلی الله علیه واله و سلم) رسول خدا (صلی الله علیه واله و سلم) بیشترین لطف [محبت] را به مردم داشت. رسول خدا (صلی الله علیه واله و سلم) آن تحوّل اساسی را در پرتو چنین روشی محقق ساخت، زیرا روش محبت در تربیت روشی است برانگیزنده همه استعدادها آدمی در جهت کمال مطلق تولید رقت و رفع غلظت و خشونت از روح و به عبارت دیگر تلطیف عواطف و همچنین تمرکز و از بین رفتن تشوّت و تفرّق نیروها و در نتیجه قدرت حاصل از تجمّع، همه از آثار عشق و محبت است، محبت چنان انسان را متحوّل می‌سازد که هیچ چیز دیگری با آن قابل قیاس نیست و هیچ چیز نمی‌تواند مانند آن انسان را از ملک به ملکوت بکشاند (بهشتی، ۱۳۹۰).

بر اساس مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، عاطفه غیر از احساس است. احساس همان چیزی است که در روانشناسی‌های غربی مطرح شده و ریشه فیزیولوژیکی و بیولوژیکی دارد. مثل احساس سردی و گرمی و تشنگی و احساس خشم و ترس، افسردگی و نشاط. که اولاً حیوانات در داشتن آن با انسان تا اندازه‌ای مشترک‌اند؛ و ثانیاً با ترشحات غدد درون‌ریز و یا تزریق موادی خاص یا تحریکات عصبی و برخورد یا دریافت صحنه‌هایی خاص و ادراکات حسی خاصی به وجود می‌آید. ثالثاً بروز احساسات، غیرارادی و یا نیمه ارادی است. مثل احساس شهوت یا احساس خشم ناشی از برخورد فیزیکی یا درد و یا احساس افسردگی ناشی از تغییرات بیولوژیکی انسان و حیوان؛ اما اسلام، علاوه بر تأیید موارد فوق، نوع دیگری از ادراکات انسانی را مطرح می‌فرماید که ریشه معرفتی دارد به نام عواطف عالی انسانی که خاص حیات انسانی است. عقل ارزشی به حقایق و زیبایی‌ها و ارزش‌ها و یقینیات به شدت جاذبه دارد. جذبه‌ها و تمایلی که عقل ارزشی به این‌ها نشان می‌دهد و در قلب روحانی ایجاد می‌کند، عاطفه نام دارد. مانند عاطفه فداکاری و ایثار، عاطفه شجاعت یا عاطفه عشق الهی. این‌گونه عواطف، فقط ریشه معرفتی دارد. انسان اولاً بر این عاطفه خودآگاهی دارد و ثانیاً بروز این نوع عاطفه در رفتار انسان، ارادی است و ثالثاً بر اثر آگاهی و معرفت بر مطلبی خاص به وجود می‌آید مثل عاطفه زیبادوستی یا عاطفه معلم نسبت به دانش‌آموز یا عاطفه عشق به کمالات و کمال مطلق. عموم ادراکات و عواطف عالی انسانی در سطح پایین، شبیه به احساس هست که در رفتار حیوانات نیز مشاهده می‌شود ولی با اوج گرفتن این عواطف و بالا رفتن سطح آن و پیچیده شدن رفتار انسان در این گونه موارد، تفاوت‌های آن‌ها با آنچه مشابه با آن‌ها و از جنس احساس است، آشکار می‌گردد. مثل مهر مادری که در سطوح پایین شبیه به محبت غریزی و ژنتیکی حیوانات از فرزندان خود هست. ولی با اوج گرفتن این عاطفه در رفتار مادر، تفاوت‌های بسیار زیاد آن با آنچه در روانشناسی غرب به‌عنوان احساس مطرح می‌شود و شبیه به رفتار حیوانات است، آشکار می‌گردد. انس، لطف، رسیدگی به فرودستان و ضعفا و کوچک‌ترها، شجاعت، عشق، ایثار، عفو و بخشش، غم و اندوه و شوق و شورونشاط، همه و همه از جنس عواطف عالی انسانی هستند. همچنین عواطف منفی در سطح عالی انسانی نیز ریشه در ادراک معرفتی دارد. مثل یاس، غرور، حرص، بخل، حسد، خودپسندی و غیره. اگر عقل ارزشی به اقیانوسی از زیبایی‌ها و حقایق و یقینیات و ارزش‌ها برسد، چنان مجذوب می‌شود که در جمال یار محو می‌شود و عشق را پدید می‌آید. یعنی نهایت رشد عاطفه، عشق می‌شود. یعنی عشق محصول و ثمره عقل ارزشی هست (دلاور، ۱۳۹۰). در این تحقیق سعی شده است که اولاً موضوع عاطفه (به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مبانی تعلیم و تعلیم اسلامی) و تفاوت آن با احساس از نگاه اندیشه اصیل اسلامی توصیف و تبیین گردد و ثانیاً نقش عاطفه در تعلیم و تربیت اسلامی واکاوی شود؛ بنابراین بر آن شدیم تا به سؤالات زیر پاسخ دهیم:



۱. دلایل تأکید اسلام به دلایل تربیتی عاطفه چیست؟
۲. فواید و آثار مهرورزی و محبت در تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام چیست؟
۳. نیاز کودکان به محبت از منظر اسلام چگونه است؟
۴. نقش عاطفه و مهرورزی در تعلیم و تربیت از نظر اسلام چیست؟

### تعاریف متغیرها

**مفهوم‌شناسی تعلیم و تربیت:** تربیت در جنبه فردی عاملی برای سازندگی انسان و وسیله‌ای جهت هدایت و رشد اوست. از طریق تربیت می‌توان آدمی را به بلندترین نقطه جمال و کمال رساند و از افراد بشری که با زمینه‌های گوناگون به دنیا می‌آیند انسان‌هایی ساخت متفکر، مدبر، خلاق و مولد. تربیت از جهتی قدیمی‌ترین کوشش و تلاش بشر است برای هدایت و سازندگی انسان و از جهتی جدیدترین آن و قدیمی‌ترین از آن جهت که شما در بین همه اقوام می‌بینید که به شکل‌های گوناگون سعی داشته‌اند فرزندان خود را بپروراند و موجبات رشد آن‌ها را فراهم آورند. در جنبه جمعی نیز تربیت عاملی برای همسازی و تفاهم داشتن حیات اجتماعی توأم با صلح و سعادت در سایه حفظ و رعایت قوانین است. امری که وجودش برای ادامه حیات همه جوامع ضروری است. ارزش و قیمت یک جامعه معادن و ثروت‌های روی زمینی و یا زیرزمینی آن نخواهد بود، بلکه قیمت آن منوط به مغزهای پرورش‌یافته و انسان‌های ساخته شده‌ای است که در آنجا زندگی می‌کنند و به کار و تلاش می‌پردازند (عبیدی، ۱۳۹۳). روانشناسان می‌گویند: تربیت علمی است عمدی و آگاهانه و دارای هدف از سوی فردی بالغ

به منظور ساختن، پروردن و دگرگون کردن فرد و یا تربیت ایجاد تغییرات منظم برای اعمال و رفتار فرد است. جامعه شناسان معتقدند که تربیت آماده کردن فرد است برای وصول به هدف‌های اجتماعی و با تربیت تهیه بهترین وسایل برای تأمین آینده وطن است (ابوطالبی، ۱۳۸۹).

**تربیت از دیدگاه اسلام:** تربیت وسیله‌ای است برای ساختن مستمر و به عمل آوردن آدمی که حاصل آن داشتن انسانی است متفکر، مؤمن، متعهد و مسئول که در برابر محیط ارزیاب و منتقد و در جنبه رفتار عامل به یافته‌های مکتب است؛ و تربیت عبارت است از احیای فطرت خداشناسی انسان و پرورش ابعاد وجودی او در جهت حرکت به سوی کمال بی‌نهایت (سلحشوری و یوسف زاده، ۱۳۹۰).

**مفهوم شناسی محبت:** محبت، از میل طبیعی انسان به یک چیز و یا لذت بردن از آن به وجود می‌آید؛ به عبارت دیگر، محبت، حالتی است که در دل یک موجود ذی‌شعور، نسبت به چیزی ایجاد می‌گردد که با وجود او، ملایمت و با تمایلات و خواسته‌هایش تناسب دارد. انسان تا چیزی را خوب نشناسد و به عمقش پی نبرد، به آن دل نمی‌بندد، آن را دوست ندارد و محبت و دوستی‌اش در دل شخص جای نمی‌گیرد. از امام جعفر صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «الحبُّ فرع المعرفة» (ترجمه مصباح الشریعه، باب اول، ص ۱۴)؛ بر این اساس باید ریشه محبت را در معرفت جست‌وجو کرد. بر اساس تعریف ارائه‌شده، می‌توان گفت: محبت، یک جاذبه ادراکی است همانند جاذبه‌های غیر ادراکی؛ یعنی همان‌طور که در موجودات مادی فاقد شعور (مثل آهن و آهن‌ربا) نیروی جذب وجود دارد، در بین موجودات ذی‌شعور هم یک جذب آگاهانه و یک نیروی کشش شعوری روشن وجود دارد که به آن محبت می‌گویند. دل، پایگاه محبت و مهم‌ترین و فاخرترین عنصر وجود آدمی به شمار می‌آید. امام صادق (ع) می‌فرماید: دل حرم خداست، پس جز خدا را در آن جای مده (فیضی و آشتیانی، ۱۳۸۸). گاه برخی حُسن‌ها و جمال‌ها به اندازه‌ای دل انگیز است که حسن و جمال ظاهری هرگز به پای آن نمی‌رسد. عشق به انسان‌های بزرگی همچون علی (ع) و دیگر اولیای خدا و پیامبران، نمونه‌ای از آن است. مردی از بادیه‌نشینان نزد رسول خدا (ص) آمد و از او درباره روز قیامت پرسید، آن حضرت فرمود: برای آن روز چه آماده کرده‌ای؟ عرض کرد: یا رسول‌الله! چیز زیادی از نماز و روزه آماده نساختم جز آن که خدا و رسولش را دوست دارم. پیامبر (ص) فرمود: «انسان [در آن روز] با کسی است که او را دوست دارد» (بخاری، ج ۱۷، ص ۱۳) انس بن مالک می‌گوید: مسلمانان از شنیدن این مطلب بسیار شادمان شدند به اندازه‌ای که هیچ چیز پس از اسلام آوردن، این قدر آنان را خوش حال نکرده بود.

**نقش محبت در تربیت:** انسان به فطرت خود نیازمند محبت است و با هیچ چیزی چون محبت نمی‌توان آدمی را متحول ساخت و او را به سوی کمال سیر داد. محبت سرمنشأ تربیت نفس‌ها و نرم شدن دل‌های سخت است. به بیان استاد شهید مرتضی مطهری: تأثیر نیروی محبت و ارادت در زایل کردن رذایل اخلاقی از دل از قبیل تأثیر مواد شیمیایی بر روی فلزات است، مثلاً یک کلیشه‌ساز با تیزاب اطراف حروف را از بین می‌برد نه با ناخن و یا سر چاقو و یا چیزی از این قبیل؛ اما تأثیر نیروی عقل در اصلاح مفاسد اخلاقی مانند کار کسی است که بخواهد ذرات آهن را از خاک با دست جدا کند، چقدر رنج و زحمت دارد؟ اگر یک آهن‌ربای قوی در دست داشته باشد ممکن است با یک گردش همه آن‌ها را جدا کند. نیروی ارادت و محبت مانند آهن‌ربا صفات رذیله را جمع می‌کند و دور می‌ریزد. خودی آدمی و هویت انسانی او با محبت شکوفا می‌شود، زیرا محبت گوهر وجود آدمی را جلا می‌دهد و زنگارهای آن را می‌زداید و چون اکسیری انسان را متحول می‌سازد و به انسان شور و شوق زندگی و قوت و قدرت پایداری می‌بخشد و به زندگی معنا می‌دهد (پور راوندی، ۱۳۹۰). محبت عامل مهم در سلامت روحی و اعتدال روانی انسان است. استواری شخصیت و سلامت رفتار آدمی تا اندازه زیادی به محبت بستگی دارد که در زندگی می‌بیند. محیط خانوادگی آکنده از محبت، سبب تلطیف عواطف و رشد فضایل در افراد می‌شود. کسانی که در محیطی با محبت پرورش می‌یابند، به ارجمندی می‌رسند و می‌آموزند دیگران را دوست بدارند و در اجتماع رفتاری انسانی داشته باشند. با گرمای محبت است که زندگی معنا می‌یابد و استعداد‌های انسان شعله می‌کشد و انگیزه تلاش و خلاقیت فراهم می‌شود؛ بنابراین روش محبت کارسازترین روش در اصلاح آدمی و منصف کردن به صفات نیکوی انسانی است و در تربیتی خردمندانه بیشترین نقش به محبت اختصاص می‌یابد. امیر مؤمنان (علیه‌السلام) در حکمتی والا فرموده است: «التودد بصف العقل؛ دوستی ورزیدن نیمی از خرد است» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۴۲). بی‌گمان در تربیت تا پیوندی انسانی و ارتباطی عاطفی و زمینه دوستی فراهم نشود، نمی‌توان گامی در جهت اهداف مطلوب برداشت. این امر شاخصه تربیت انسانی است.

**معنی لغوی عاطفه:** عاطفه در لغت به مطلق گرایش‌های طرفینی و یا شیء به شیء دیگر اطلاق می‌گردد. عاطفه که به عاطفات، یا عواطف جمع بسته می‌رود، مؤنث عواطف و مصدر آن عطف به معنای اعوجاج، میل و رغبت آمده است (نجفی و متقی، ۱۳۹۴). کلمه عطف ذاتاً معنی تمایل می‌دهد و بار ارزشی خاصی ندارد ولی وقتی در منظومه تعلیم و تربیت قرار می‌گیرد، معانی خاصی پیدا می‌کند. عاطفه به معنی رحمت و شفقت خاصی که بین محرمان وجود دارد، هست. مثل رابطه پدر و مادر با فرزند. همان‌طور که به مثال‌هایی اشاره گردید، در

روایات، عاطفه به معانی: الفت، مهربانی، عنایت، رحمت، رأفت، شفقت، عفو، دوستی و... به کار رفته است. از نظر روانشناسان، مفهوم عاطفه این است: توضیحات حالت هیجانی شخص که اندیشه او را همراهی می کند عاطفه خوانده می شود (میرزا محمدی، ۱۳۹۱).

**تعریف عاطفه از دیدگاه اسلامی:** ۱- عاطفه رفتاری است که بر اساس معرفت و شناخت و بصیرت و تعقل انجام می گیرد. طبق این تعریف، معرفت و تعقل (تلاش عقل) و بصیرت، سه مبنای عاطفه می باشند؛ ۲- عاطفه رفتاری است که نیاز به برنامه، تصمیم و اراده دارد. یعنی ابتکار عملی است و عمل باید با نیت و معرفت و فکر انجام شود؛ ۳- عاطفه رفتاری سازنده است و از ویژگی های صفات عالی انسانی است و ثمره فعالیت های انسانی است و هیچ شباهتی به رفتار حیوانات ندارد؛ ۴- عقل ارزشی به حقایق و زیبایی ها و ارزش ها و یقینات به شدت جاذبه دارد. تمایل و جذبه ای که عقل به این ها نشان می دهد و در قلب روحانی ایجاد می شوند، عاطفه نام دارد؛ ۵- عاطفه از ارزیابی و موضع گیری قلب در برابر ادراکات قلبی پدید می آید و زبان و رفتار قلب است و نقش اصلی در رفتار انسان را دارد؛ ۶- عاطفه از جنس ملکوت است و درب ورودی به خانه وجود انسان است (کلبعلی، ۱۳۹۳).

**تعریف احساس:** ۱- احساس رفتاری است انفعالی که حاصل دریافت های حسی، غریزی، بیولوژیک، فیزیولوژیک، ژنتیک یا ذهنی است؛ ۲- احساس، انفعالی است و ظهور آن در رفتار انسان نیاز به فکر و برنامه ریزی ندارد. یعنی مثلاً ترس از رعدوبرق نیازی به فکر و برنامه ریزی و نیت ندارد؛ ۳- احساس که یکی از ودایع الهی است که باید کنترل شود. چون اگر بر عقل و قلب انسان چیره شود، بسیار خطرناک بوده و موجب نابودی انسانیت خواهد شد؛ ۴- احساس، رفتاری است که گاهی بین انسان و حیوان مشترک است. مثل علاقه به غذا، جنس مخالف و احساس ثمره ادراکات حسی هست که ادراکات حسی شامل: ادراکات ذهنی، ادراکات فیزیولوژیک، ادراکات بیولوژیک و ادراکات ژنتیک هست (مرزوقی و صفری، ۱۳۹۰).

### پیشینه تحقیق

امروزه ما وارث جهانی پر از ناکامی ها، شکست ها، بیمناکی ها و سرخوردگی ها هستیم، کنار نهادن عقل و خرد و پیروی از امیال درونی، غرایز حیوانی و خودخواهی ها، انسان هایی بی رحم، بی منطق و تخریب گر ساخته است. وجود این همه بی عدالتی، سرگشتگی، جنگ و بسیاری از رفتارهای غیرعقلانی، مؤید این امر است که بشر امروزی قبل از هر چیز به تربیت کردن نیاز دارد. اکنون فن آوری های علمی روزافزون گشته است و می رویم تا خود محصور محصولات خود باشیم. در کنار این پیشرفته ای دور از انتظار جای چیزی خالی است. چیزی که به علم جهت می دهد و آن چیزی جز اخلاقیات نیست. نبود تربیت صحیح و اخلاقیات موجب شده است که امروزه ما بیش از پیش مستعد آن باشیم که به همنوعان خود آسیب برسانیم. مایر (۱۳۷۴) معتقد است که برای حل مشکلات موجود جهانی سه راه حل وجود دارد؛ جنگ، انقلاب و تربیت. به اعتقاد وی جنگ کابوس تصویر ناپذیر است و انقلاب روش بیمناکانه ولی تربیت است که به آرامی انسان را رو به تکامل می برد و او را متوجه امکانات خلاقانه خود می کند (کاردان و همکاران، ۱۳۸۹).

تربیت است که به انسان جهت می دهد و او را هدفمند می سازد و تربیت تنها داروی درد بشریت است. تعریف تربیت به طور سنتی به صورت ایجاد عادت از طریق به کارگیری شیوه های تنبیه و پاداش تعریف شده است. نگاه سنتی تربیت ناظر بر فرایندی بوده است که طی آن حداقل دو نفر، یکی به عنوان معلم یا مربی و دیگری به عنوان متربی به صورت بالا- پایین یا یکدیگر ارتباط دارند. در اینجا مربی دارای ویژگی ها، مهارت ها و توانمندی هایی است که می خواهد آن را به متربی انتقال دهد. این که این انتقال بالا به پایین است بدین معناست که صرفاً یک جریان یک سو به یک طرفه که در آن معلومات مربی به متربی جریان پیدا می کند، بین آن دو برقرار است. این انتقال مهارت ها و معلومات از طریق امر و نهی کردن و تنبیه و پاداش صورت می گیرد. در این فرمول که تمامی اطلاعات از طریق مربی به متربی جاری می شود، متربی چاره ای جز اطاعت بی چون و چرا ندارد. چنین سیستمی اگرچه قدیمی است اما هنوز در پاره ای از جوامع سنتی، روستاها و مکان هایی که کمتر در معرض پیشرفته ای تکنولوژیک و علمی بوده است به راحتی دیده می شود.

در تربیت به ویژه تربیت اخلاقی درباره فضیلت نظرات مختلفی ارائه شده است سقراط دانش را فضیلت می داند؛ یعنی برای این که شخص فاضلی بشود دانش کافی است افلاطون معتقد است که دانش کافی نیست و عاطفه هم باید باشد ارسطو اراده را نیز به آن دومی افزود به علت تأثیر فراوان عواطف و احساسات در رفتار افراد پرداختن به تربیت عاطفی اهمیت فراوانی دارد در کنار تربیت جسم ذهن تفکر اراده و گزینه موضوع تربیت عاطفی مسئله ای است که هم در روانشناسی غربی و هم در متون دینی اسلام از جمله قرآن کریم و سنت پیامبر در قالب احادیث رسول اکرم ص و اهل بیت اطهار ع ذکر شده است تفاوت این دو دیدگاه رابطه اسلام با عاطفه مفاهیم قرآنی که بار عاطفی دارند و اهمیت عواطف در ابعاد مادی و معنوی مطلبی است (میرشاه جعفری، ۱۳۹۰). سقراط از رابطه عمیق بین عقل و اخلاق یاد می کند، به گونه ای

که معتقد است دانش مبنای فضیلت است. سقراط از اولین افرادی است که برای پاسخ به این سؤال که چگونه هر فردی بایستی زندگی کند، آگاهانه به استدلال‌های عقل متوسل می‌شود و روش‌های مناسبی را برای بکارگیری عقل در حل این مسئله به کار می‌گیرد؛ بنابراین سقراط یک نظریه اخلاقی عقل‌گرایانه متمرکز بر فضیلت را بیان می‌کند. ارسطو هدف زندگانی اخلاقی را کسب سعادت از طریق اجرای دقیق فعالیت‌های عقلانی می‌داند. ویلسون نقش عقل را در تربیت اخلاقی در ارتباط با مصالح افراد، سازگاری منطقی با خود، شناخت حقایق و به‌کارگیری این مهارت‌ها را در عمل مورد بررسی قرار داد. کولبرگ هم جایگاه عقل را در تربیت اخلاقی بسیار مهم می‌داند و عقل را به‌عنوان یک فرایند تعالی می‌داند که در این فرایند، اصول اخلاقی را به‌عنوان راه‌حلی برای حل مشکلات به کار می‌گیرد. هرست و پیترز هم تربیت اخلاقی را زمینه‌ای می‌دانند که فرد بتواند زمینه تعلیم و تربیت عقلانی را فراهم کند. هری شفیلد بر این باور است که هدف تعلیم و تربیت این است که فرد را به‌گونه‌ای پرورش بدهیم که بتواند در یک گزینش آزادانه امور اخلاقی را انتخاب کند، نه اینکه به کودک یک سری اطلاعات و پاسخ‌ها را ارائه کنیم. در نتیجه، هدف اصلی تربیت اخلاقی رشد و شکوفایی عقل است. روسو خواست و تمایلات طبیعی انسان را بنیاد مناسبی برای اخلاق می‌داند و از نظر او محرک انسان طبیعی حب ذات است. شلر معتقد است که اساس معرفت اخلاقی، عاطفه است و عشق است که هستی از او تجلی می‌یابد ماکس شلر معتقد است که عاطفه می‌تواند باعث شناخت جهان شود و همین شناخت موجب تحریک فعالیت‌های عقل می‌شود. تعقل عملی اولیه نیست، بلکه عاطفه قبل از عقل، گرایش به شناختن ارزش‌هایی دارد که دارای قلمرو ویژه خود هستند و به‌صورت موضوع شناخت درمی‌آیند (مرزوقی و صفری، ۱۳۹۰).

## یافته‌های تحقیق

### نقش مبانی در طراحی نظام تعلیم و تربیت

هر مکتب تربیتی در جهان در مورد هدف از آفرینش انسان و کمال‌نهایی وی بینش و شناخت خاص خود را دارد. مجموعه این بینش‌ها مبانی فرهنگ و مبانی تعلیم و تربیت در آن مکتب را تشکیل می‌دهد. برای آنکه نظام تعلیم و تربیت در هر مکتبی را بخواهیم بررسی کنیم، لزوماً باید مبانی فرهنگی و تعلیم و تربیت را در آن مکتب بررسی نماییم. ماهیت عاطفه و عواطف و منشأ آن جزئی از مبانی است و چگونگی پدید آمدن آن جزئی از مبانی است. مبانی تعلیم و تربیت در هر مکتبی باید پاسخگوی سؤالات و ابهامات و اسرار پیچیده روحی و روانی انسان باشد تا تعلیم و تربیت بتواند بر اساس آن مبانی برای تربیت انسان برنامه‌ریزی‌های صحیح و مطلوب و موفقی را پی‌ریزی نماید. اگر ندانیم که ماهیت و حقیقت عاطفه چیست؟ چگونه عواطف انسانی را در جهت تربیت صحیح انسان به کار خواهیم گرفت؟ آیا ماهیت عواطف انسان تنها جنبه بیولوژیکی دارد؟ آیا ماهیت و عواطف انسان چیزی جز تغییرات بیولوژیکی و فیزیولوژیکی بدن نیست؟ آیا عشق یا حسادت یا تکبر یا عزت یا فروتنی یا مهر و محبت یا انس و الفت و امثال آن خیالات و اوهام است و آیا فقط بستگی به ترشح غدد و هورمون‌ها و تغییرات فیزیولوژیکی و بیولوژیکی دارد؟ آیا الهام و اشراق و رؤیاهای صادقانه و شعر و احساسات لطیف و گرایش‌های انسان به زیبایی‌ها، محبت‌ها، انس‌ها، عشق‌ها، فداکاری‌ها و شهادت‌ها و همه و همه بدون ریشه معرفتی و انسانی است؟ و تنها جنبه بیولوژیک و یا فیزیولوژیکی و ادراکات حسی دارد؟ اگر جنبه انسانی دارند، ماهیت آن‌ها چیست؟ و منشأ آن‌ها و مرکزی که از آنجا در وجود انسان سرچشمه می‌گیرند کدام است؟ آیا عاطفه میل و تمایل شدید به سوی حقیقت‌جویی و دانش و دانایی‌ها و کشف اسرار و کشف ناشناخته‌ها ریشه انسانی و معرفتی ندارد؟ آیا میل به خلاقیت، میل به ابتکار و میل به نوآوری ریشه انسانی ندارد؟ آیا میل به مطلق‌ها و عاطفه مطلق‌گرایی و کشش درونی به سوی بهترین‌ها، بزرگ‌ترین‌ها، عظیم‌ترین‌ها، عمیق‌ترین‌ها و وسیع‌ترین‌های عالم خلقت جنبه انسانی و منشأ معرفتی ندارد؟ آیا ریشه آن‌ها در ادراکات حسی و یا روابط بیولوژیکی و فیزیولوژیکی بدن هست؟ (مرزوقی و صفری، ۱۳۹۰).

### عاطفه به‌عنوان یکی از کلیدواژه‌های وحیانی

تعریف کلیدواژه‌های وحیانی: منظور از کلیدواژه‌های وحیانی، آن دسته از کلمات و واژه‌هایی است که قرآن کریم و روایات شریفه در مفهوم ملکوتی به کار برده شده‌اند و به‌عنوان کلمه‌ای هستند که حق تعالی یا معصومین علیهم‌السلام، به‌منظور معرفی بخشی از دین اسلام آن‌ها را مطرح کرده‌اند، ولی کلماتی که به‌عنوان ابزار انتقال کلام استفاده شده یا نقل‌قول از انسان‌های معمولی، یا کفار و منافقین و مشرکان مطرح شده‌اند، کلیدواژه وحیانی نمی‌باشند. لذا عاطفه هم یکی از کلیدواژه‌های وحیانی هست که جهت توضیح بیشتر، در ادامه به آیات و روایات مرتبط با مفهوم عاطفه اشاره خواهد شد (یار محمدیان، ۱۳۹۱).

### نقش عاطفه و احساس در تربیت از دیدگاه اسلام

می‌توان گفت که حقیقت عاطفه، غیر از احساس و احساسات است. از کنتم اعداء فألف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته اخواناً (پور راوندی، ۱۳۹۰) حق تعالی در این آیه کریمه نیز می‌فرماید که الفت و عاطفه برادری را به خاطر ایمان به معارف و حیانی اسلام در بین شما پدیدار نموده است و این در حالی است که (بر اثر غرایز و احساسات حیوانی) در گذشته با یکدیگر دشمن بودید (و همچون حیوانات به خاطر منافع شخصی با یکدیگر دشمنی می‌کردید). وجعلنا فی قلوب الذین اتبعوه رأفة و رحمة و رهبانیة (دلاور، ۱۳۹۰) حق تعالی می‌فرماید و ما در دل‌های آنان که به دین خدا معرفت پیدا کردند و از آن پیامبر متابعت کردند عاطفه رأفت و رحمت و رهبانیت قرار دادیم. یعنی عاطفه، کلید اصلی برای باز کردن قلب و ورود به خانه دل است. عاطفه انسانیت انسان‌ها را به هم متصل می‌کند. عاطفه محصول تربیت قلب و روانشناسی اسلامی است و آن‌هایی که با پول و سکس لذت می‌برند، موضوعاتی مثل شهادت، ایثار، صلح‌رحم و... برای آن‌ها مفهومی ندارد. آن‌ها با ادراکات حسی سروکار دارند و از عاطفه که ریشه معرفتی دارد، بی‌خبر هستند.

ملاحظه می‌شود که حق تعالی در آیات فوق، هرگونه عاطفه را نتیجه معرفت و نوع آن را نیز متناسب با نوع معرفت معرفی می‌فرماید. بسیاری از اسماء حسنه حق تعالی مفهوم عاطفه شدید دارد مثل رحمان، رحیم، رؤف، ودود، بر، لطیف، رب، غفور، عفو. بدیهی است که مفاهیم اسماء فوق را نمی‌توان به انواع احساس و احساسات که ریشه غریزی و بیولوژیک و فیزیولوژیک دارد، معنی کرد زیرا اگر حق تعالی را به صفاتی که ریشه مادی و غریزی دارد، موصوف نماییم، کفر محض خواهد بود، اما بر اساس استدلال قرآن کریم، عاطفه، ریشه معرفتی دارد و چون حق تعالی معرفت مطلق است، پس عاطفه مطلق نیز هست. «انه هو البر الرحیم»؛ همانا او (خداوند) با مؤمنان رحیم و همه خلقت و هستی را در دوستی با ایشان هزینه می‌کند (سلحشوری و یوسف زاده، ۱۳۹۰). الله لطیف (سلطانی رنای، ۱۳۹۲) همانا خداوند به بندگانش همواره لطف دارد. «و استغفروا ربکم ثم توبوا الی الله ان ربی رحیم ودود»؛ پروردگار من همواره دوستی پذیر و محبت‌پیشه و دوست یاب است (فیضی و آشتیانی، ۱۳۸۸). بر اساس آیه شریفه «و ان من شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم»؛ از عوطف ملکوتی و الهی به میزان تقرب بندگان بر دل ایشان نازل می‌فرماید (قائمی، ۱۳۹۳). لذا رسول مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌و آله که اشرف مخلوقات و اکمل بندگان و نورالله الکامل فی الارض (کاردان، ۱۳۸۹) است، از بیشترین عاطفه برخوردار است. این جمله حضرت امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام در وصف صفات و اخلاق رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و آله است که فرمود: «کان علیه‌السلام عطف الناس»؛ یعنی رسول مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌و آله عاطفی‌ترین فرد در بین مردم بود (کلبعلی، ۱۳۹۳). بدیهی است که رسول مکرم اسلام که اعلم و عارف و اکمل و اشرف انسان‌هاست، عطف انسان‌ها نیز خواهد بود. زیرا همان‌گونه که قرآن کریم استدلال فرموده است، عاطفه، نتیجه و حاصل و شکوفه علم و معرفت و عمل صالح است. عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم (مرزوقی و سفری، ۱۳۹۰) دلسوزی و مهربانی و رأفت و رحمت از جانب رسول خدا بر مؤمنین در این آیه موج می‌زند. محمد رسول‌الله «و الذین معه أشداء علی الکفار رحماء بینهم» این آیه شریفه حتی عاطفه منفی ولی انسانی که ریشه در معرفت دارد را نیز نتیجه معرفت می‌داند (میرزا محمدی، ۱۳۹۱)؛ «و ما أرسلناک الا رحمة للعالمین»؛ در این آیه شریفه رحمت و محبت و مهربانی رسول خدا با تمام انسان‌ها را بیان می‌فرماید (میرشاه جعفری، ۱۳۹۰). «و جعل بینکم مودة و رحمة»؛ در این آیه شریفه پیدایش دوستی شدید و مهربانی در بین مؤمنین را صراحتاً در نتیجه عنایت حق تعالی بر اثر معرفت مؤمنین و عمل صالح ایشان اعلام می‌فرماید (ناصح و ساکی، ۱۳۹۰). «و امرکم ان تعاطفوا و... تراحموا...»؛ رسول خدا (ص): به یکدیگر رحم کنید... و باهم رحمت و شفقت خاصی را که ویژه برادران و خواهران است، داشته باشید (یار محمدیان، ۱۳۹۱).

آیات و روایات بسیار در باب محبت، مودت، ترحم، رحمت، لطف، رأفت، عفو، خشوع، انکسار، غفران، الفت، اخوت، شفقت، رفاقت، ولایت، احسان، حلم، رغبت، شکر، فرحت، اشتیاق، رضایت، سرور و بقاء وجود دارد که تماماً شقائق و تجلیات عاطفه است که در عین حال، تماماً ریشه معرفتی دارد و متفاوت از احساس و احساسات است. نقش عاطفه آن اندازه در کسب معرفت و نور، شعور، یقین، شهود، بصیرت و تقرب الی الله، زیاد است؛ که از قول امام صادق (ع) می‌توان چنین گفت: «هل الدین الا الحب»؛ مگر دین چیزی غیر از دوستی است؟ (صادقی، ۱۳۹۰).

### مراحل تشکیل عاطفه

برای آنکه عاطفه در قلب صورت بگیرد و در رفتار انسان ظاهر شود، مراحل باید طی شود. این مراحل به شرح ذیل بیان می‌گردد: مرحله اول. ادراک موقعیت: ابتدا انسان در برابر خود موقعیتی می‌یابد در درون یا بیرون (منظور از قید درون آن است که ممکن است انسان در درون خود با اندیشه‌ای یا خاطره‌ای روبرو شود) و آن موقعیت را ادراک می‌نماید یعنی ویژگی‌های آن موقعیت را توسط دستگاه‌های ادراکات حسی و یا فوق حسی خود دریافت می‌کند و به قلب منتقل می‌نماید. مرحله دوم. بررسی رابطه موقعیت با خود: در مرحله دوم قلب رابطه آن موقعیت و نیز ویژگی‌های آن را در مقایسه با شرایط خود و تمام موجودیت خود اعم از گذشته، حال و آینده بررسی می‌نماید.

مرحله سوم. تعیین موضع: در مرحله سوم قلب به تناسب رابطه آن موقعیت با شرایط خود موضع خود را مشخص می‌کند مثلاً آیا آن موقعیت دوست‌داشتنی است یا عکس آن یا از نظر او تفاوتی ندارد؟

مرحله چهارم. اعلام موضع: اعلام موضع - یعنی دستور صدور و بروز عاطفه‌ای که موضع قلب را نسبت به آن موقعیت اعلام نماید دستور را قلب صادر می‌کند و صدور رفتار را ذهن و مغز انجام می‌دهند. این مرحله‌ای است که آثار آن در رفتار ظاهر می‌رود و عنوان عاطفه به خود می‌گیرد و در همین مرحله است که در ترکیبات شیمیایی بدن تغییراتی به وجود می‌آید مثلاً انسان عرق می‌کند و یا صورتش سرخ می‌رود یا عرق سردی بر پیکرش می‌نشیند (نجفی و متقی، ۱۳۹۴).

### رفتارهای پس از تشکیل عاطفه

حرکات و رفتارهای بعدی انسان در حین بروز عواطف مرحله‌ای است که گرچه به نوع عواطف بستگی دارد ولی جزء مراحل تحقق عاطفه قرار نمی‌گیرد. مثل: در آغوش کشیدن یا مشت گره کردن و غیره؛ زیرا می‌بینیم که در پاره‌ای موارد عاطفه‌ای در فرد شکل می‌گیرد ولی آن را تا آنجا که می‌تواند پنهان می‌کند و بروز نمی‌دهد؛ زیرا دستور صدور رفتار بعدی از طرف قلب این‌گونه صادر شده است که خود را کنترل نماید پس این کنترل یا عدم آن و میل به عمل خاص و انجام آن عمل مربوط به رفتارهای بعدی قلب انسان است نه خود عاطفه. اینکه به دسته‌ای از افراد بی‌عاطفه گفته می‌شود به دلیل آن نیست که دارای عواطف و نیز احساسات نیستند بلکه به آن دلیل است که چون عاطفه ماهیت معرفتی دارد، مردم منتظرند که این فرد بعد از آگاهی بر موضوع، عاطفه متناسب با موضوع را از خود نشان دهد، ولی چون آن فرد چنین عاطفه‌ای را در رفتار خود بروز نمی‌دهد و یا عکس آن عمل می‌نماید، او را بی‌عاطفه می‌گویند. مثلاً انسان‌های قاتل و بی‌رحم و ماجراجو و تجاوزگر و از این‌رو قبیل، ادراکی را که از دزدی یا تجاوز یا قتل و غارت دارند با دیگران به کلی متفاوت است. آن‌ها از قتل و یا تجاوز و یا دزدی آن زشتی را ادراک نمی‌کنند که انسان‌های متعادل و سالم ادراک می‌کنند. لذا عاطفه‌ای را نیز که از خود بروز می‌دهند متناسب با ادراک آن‌ها از مفهوم دزدی و یا قتل و یا تجاوز است. لذا اگر بتوان ماهیت و معنای دزدی یا مواد مخدر یا قتل یا تجاوز را به آن‌ها منتقل نمود عاطفه آن‌ها نیز در مقابل تغییر خواهد کرد. مگر آنکه فرد در اصل ادراکات مشکل داشته باشد یعنی ضایعه مغزی و عصبی داشته باشد و یا احساسات و قوای حسی او دچار مشکل شده باشد (نوذری، ۱۳۷۹).

### رابطه عاطفه با خلقت به صورت زن از دیدگاه اسلام

خداوند متعال برای آنکه انسان بتواند راه تعالی و کمال را طی نماید و مشکلات اداره امور زندگی در عالم خاکی، مانع از حرکت او نشود، او را از دو جنس زن و مرد خلق کرد و به هر یک توانایی‌های خاصی عطا فرمود تا با کمک یکدیگر اداره امور و ادامه حیات را برای خویش آسان نمایند. زن را از مرد آفرید (از همان عنصر مرد آفرید) تا دوگانگی و عدم سنخیت و یا تضاد اساسی بین ایشان پدید نیاید. زن و مرد را از نظر نوع استعدادها و توانایی‌ها متفاوت فرمود ولی هر کدام که تقوی را بیشتر رعایت کنند، نزد خود گرمی‌تر دان است و تکریم نمود. چشمه سخن را در وجود زن به ودیعه نهاد تا با فرزندان بشریت آن اندازه صحبت شود که بتوانند با محیط و هموعان خود رابطه انسانی برقرار کنند و در بیان و تبیین خواسته‌های خود توانا گردند و به منطق و ادب و ذخایر واژه‌ها و کلام دست یابند تا روحیات و رفتارشان تلطیف گردد و عواطف انسانی در وجودشان شکوفا گردد و محبت و رحم و فداکاری را درک کنند. زن را عاطفی خلق کرد تا با دردها و آلام فرزندان همدردی نماید و ایشان را تسلی دهد. زن را عاطفی کرد تا بشریت را آرامش بخشد؛ و بدین گونه زن را اولین معلم بشریت نمود تا حق سخن‌آموزی و آرامش‌بخشی بر گردن بشریت داشته باشد و بدین‌سان، زن را در این جلوه‌ات از حیات، انسان‌تر از مرد آفرید و بدو جایگاه ویژه بخشید. زنان را لطیف‌تر و عاطفی‌تر نمود تا کودکان را که تنها در فضای عطوفت و مهر و لطافت می‌توانند رشد و نمو یابند، پرورش داده و تربیت نمایند تا بتوانند عواطف عالی انسانی را پرورش داده و رشد دهند و بدین‌سان زن را پرورش‌دهنده عالی‌ترین ویژگی‌های حیات انسانی انسان قرار داد. زن را عاطفی خلق فرمود تا سختی و رنج بسیار را دوران بارداری و وضع حمل و شیر دادن و فرزند پروری را تنها به دلیل ذخیره بیشتر عطوفت و فطرت مهربان خود، تحمل نماید. زنان را لطیف‌تر و عاطفی‌تر نمود تا زندگی خانوادگی را تلطیف کنند و مشکلات و معیشت زندگی که به خاطر اصطکاک و مشکلات اجتماعی همواره به خشونت و خستگی می‌گراید را لطافت بخشیده و عاطفی نمایند و بدین‌وسیله موجب آرامش مردان شده و اضطراب جامعه و خانواده را تسکین بخشند. چشمه عاطفه را که لسان قلب و رمز حیات و روابط انسانی است و نیز اساس تأسیس خانواده در جامعه بشری هست را در حقیقت زن به ودیعه نهاد تا انسان‌ها را عاطفه بیاموزد و روابط بشری را عاطفی و انسانی نماید. زن را مظهر مهر و عاطفه قرارداد تا سنگینی بار مشکلات حمل و رضاع و پرورش و تربیت کودکان بشریت را با مهربانی و صبوری تحمل نماید؛ و سختی‌های زندگی را در حفظ روابط خانواده با کمک عاطفه و محبت و عشق، به لطافت تبدیل نماید و اعضاء خانواده را مجذوب لطافت و عواطف خویش کند تا بتواند پیوندهایی نامریی و درعین‌حال محکم انسانی را بین اعضاء خانواده ایجاد نماید و حق تعالی بدین‌سان، زن را در این شئون از حیات، تواناتر از مرد آفرید (میرشاه جعفری، ۱۳۹۰).



### نقش عاطفه و مهرورزی در تعلیم و تربیت اسلامی

انسان تشنهٔ محبت است و محبت حیات‌بخش دل‌هاست. هرکسی که خود را دوست دارد، می‌خواهد محبوب دیگران نیز باشد احساس محبوبیت دل را شادمان می‌گرداند. عاطفه و مهرورزی مفهومی است که به‌طور دوجانبه بر رفتار مربی و متربی اثر می‌گذارد. تا فردی کسی را دوست نداشته باشد، چگونه می‌تواند او را تربیت کند. اصولاً نقش محبت در تربیت نقش کلیدی است. از مهم‌ترین امور در تربیت و در برقراری ارتباط مؤثر بین مربی و متربی به شمار می‌رود و بهترین نوع رابطه رابطه‌ای است که بر اساس محبت باشد؛ زیرا چنین رابطهٔ طبیعی است و رابطه بر اساس زور و خشونت و هر رابطه دیگر غیرطبیعی خواهد بود. از مهم‌ترین نیازهای روانی کودکان برخوردار از عاطفه و مهرورزی است. از آنجاکه والدین، نخستین سرپرست فرزند است، لازم است به این نیاز فرزند توجه خاص داشته باشد و بدانند پاسخ‌گویی صحیح به این نیاز، اساس و پایه تربیت او را تشکیل می‌دهد؛ زیرا ارضای این نیاز، موجب آرامش روانی، امنیت خاطر، اعتمادبه‌نفس، اعتماد به والدین و حتی سلامت جسمی او می‌شود.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: فرزندان خود را بسیار ببوسید؛ زیرا با هر بوسه‌ای، برای شما درجه‌ای در بهشت فراهم می‌شود؛ بنابراین، اساس کار والدین که با فرزندان سروکار دارند، باید لطف و رحمت و ابراز محبت نسبت به آنان باشد. در غیر این صورت نمی‌توانند ارتباط مناسبی که بستر رشد و تکامل است با فرزندان برقرار کنند و آن‌ها را درست تربیت کنند. حتی بالاتر این که برخورد خشک، خشن و تند موجب فروپاشی روحی و روانی و انحرافات اجتماعی خواهد شد (کلبعلی، ۱۳۹۳). از آنجاکه نظام آموزشی فعلی ایران وارداتی است و شناخت این نظام از دانش‌آموزان بر اساس روانشناسی غربی است، هیچ برنامه‌ای برای هدایت و رشد عواطف عالی انسانی ندارد و اساساً به آن اعتقادی ندارد؛ اما در مکتب تربیتی اسلام، به عواطف عالی انسانی، بسیار توجه شده است به‌طوری‌که از ارکان تعلیم و تربیت اسلامی به شمار می‌رود. لذا ضرورتاً باید در دستگاه آموزش و پرورش، برنامه‌هایی را طراحی و تدوین نمود و به اجرا گذاشت که توسط آن برنامه‌ها، عواطف عالی انسانی مورد توجه قرار گرفته و طبق دستورات اسلام، هدایت و تقویت شود (نجفی و متقی، ۱۳۹۴).

### برخی از عواطف مورد تأکید اسلام

در ادامه برخی از عواطف که مورد تأکید اسلام است، شرح داده می‌شود (هاشمی، ۱۳۹۳):

- ۱- عاطفه مهر اظهار عاطفه مهر از طرف دانش‌آموز از نشانه‌های تقویت و تربیت عواطف عالی انسانی است. اظهار عاطفه مهر، خاص قلب است. پس تمامی برنامه‌هایی که مهر دانش‌آموز را برانگیزد، موجب تقویت ادراکات قلبی خواهد شد. فراگیر کردن این رفتار در بین دانش‌آموزان موجب تقویت روحیه نشاط و امید و تلاش در نسل آینده و در جامعه خواهد شد.
- ۲- عاطفه پذیرش مهر و محبت نیز از نشانه‌های رفتار خاص قلب انسان است. لذا باید برنامه‌های تربیتی و آموزشی که پذیرش مهر و محبت از طرف دانش‌آموز را برانگیزد، طراحی و به اجرا درآید. فراگیر کردن این رفتار در بین نوجوانان و جوانان موجب پیدایش ارتباطات صمیمی و دوستانه، بین آحاد جامعه خواهد گشت و بسیاری از خشونت‌های ناشی از غرور کاذب و ناشی از سوء تفاهات را در بین جامعه و در بین نسل آینده از بین خواهد برد.
- ۳- عاطفه انس و الفت نیز از رفتارهای قلب است. بنابراین برنامه‌هایی که انس و الفت را در رفتار دانش‌آموز برانگیزد، باید طراحی و به اجرا درآید.
- ۴- عاطفه فداکاری و ایثار، فداکاری و ایثار به معنی از دست دادن و هزینه کردن و یا اعطا کردن امکانات و اشیاء و لوازم و یا توانایی‌ها و فرصت‌ها و یا امتیازات مادی و معنوی است که هر انسان برای خودش لازم دارد و به آن نیاز دارد و از دست دادن آن، موجب سلب آن امتیازات و آن اختیارات و آن امکانات و آن فرصت‌هاست. ولی به دلیل معرفت عمیق و سطح بالای انسان فداکار درباره آثار و برکات این رفتار عاطفی و عالی انسانی، آن را در اختیار انسان دیگر قرار می‌دهد و خود را محروم از آن می‌نماید. طراحی و اجرای برنامه‌هایی که عاطفه فداکاری و ایثار را در رفتار دانش‌آموز متجلی نماید، موجب تقویت این توانایی و این معرفت و این نور و این جاذبه، توسط قلب می‌گردد. قابل عنایت است که تقویت این رفتار در انسان و فراگیر کردن آن در نسل آینده، موجب نجات جامعه از بحران‌ها و کمبودها و قحطی‌ها و جنگ‌های داخلی و خونریزی‌ها و برادرکشی‌ها خواهد شد. تقویت و فراگیر کردن این رفتار در جامعه، موجب پیروزی در برابر حمله و تهاجمات دشمنان اسلام و وطن خواهد گشت.
- ۵- عاطفه شکر و سپاسگزاری و حق‌شناسی، طراحی و اجرای برنامه‌هایی که عاطفه شکر و تشکر و سپاسگزاری و حق‌شناسی را در رفتار دانش‌آموز برانگیزد، موجب خواهد شد که این توانایی و این استعداد قلبی نیز در دانش‌آموز تقویت و رشد یابد. وجود و حضور و ظهور این عاطفه در بین افراد جامعه، بسیار ضروری است. زیرا موجب تشویق در اظهار محبت و یاری و لطف به یکدیگر خواهد شد.
- ۶- عاطفه اعتمادبه‌نفس و غرور مثبت منشأ رقابت‌های سازنده و تلاش و مسابقه برای رشد و در جهت تکامل و پیشرفت در جامعه خواهد شد و جوانان را در تحمل مشکلات، صبور خواهد نمود و حس مقاومت در برابر مشکلات را تقویت خواهد نمود. بنابراین طراحی و

اجرای برنامه‌هایی که عاطفه اعتمادبه‌نفس و غرور سازنده را در بین جوانان، فراگیر سازد، موجب خواهد شد که در برخورد با ناملایمات زندگی، شکست‌ها و مشکلات خود، اظهار عجز و زبونی و زاری و ناتوانی نکنند و اعتمادبه‌نفس و غرور و به‌اصطلاح مردانگی را سرمایه‌ی برخورد با مشکلات و عبور از بحران‌ها و وصول به توفیقات نمایند.

۷- عاطفه صبر و حوصله یکی از عالی‌ترین عواطف انسان هست و از رفتار قلب است و منشأ معرفتی دارد زیرا هر انسانی که دارای آگاهی بیشتر و جهان‌بینی وسیع‌تر و قدرت روحی بالاتر و اطلاعات وسیع‌تر باشد در برخورد با مسئله موردنظر صبورتر، آرام‌تر و پرحوصله‌تر خواهد بود. ظهور موفقیت در بسیاری از تلاش‌های زندگی نیاز به زمان دارد و تنها وقتی به ثمر خواهد نشست که با صبوری و حوصله، زمان لازم به سر آید. سرنوشت بسیاری از آزمایش‌های علمی و اختراعات و اکتشافات بستگی کامل به صبر و صبوری دارد. سرنوشت بسیاری از فعالیت‌های کشاورزی و تحقیقاتی نیز چنین است و سرنوشت بسیاری از تجارت‌ها و معاملات اقتصادی نیز چنین است، نتیجه بسیاری از نقشه‌های جنگی در دفاع از میهن نیز وابسته به صبر و صبوری است. بنابراین طراحی و اجرای برنامه‌هایی که عاطفه صبوری را در رفتار دانش‌آموز، تقویت نماید و آن را در سطح نونهالان و نوجوانان و جوانان فراگیر نماید، موجب خواهد شد که نسلی مقاوم و صبور و پرحوصله در برابر مشکلات و اجرای طرح‌ها و تحقیقات و برنامه‌ها تربیت گردد.

۸- عاطفه خوش‌رویی، خوش‌خویی، نرمی و ملامت در رفتار، موجب ایجاد ارتباط سریع و ساده با جامعه خواهد شد. ظهور این عاطفه در رفتار، بسیاری از مشکلات انسان را در ارتباط با جامعه می‌کاهد و موجب جذب ظرفیت‌ها و امتیازات و امکانات بسیاری خواهد شد. طراحی و اجرای برنامه‌هایی که این عاطفه را در رفتار دانش‌آموزان برانگیزد و در بین نونهالان و نوجوانان و جوانان فراگیر نماید، موجب خواهد شد که فضای همزیستی در نسل جدید، بسیار دلپذیر، شیرین، جذاب و فشارهای ناشی از زندگی ماشینی و جوامع فشرده و پرجمعیت قابل‌تحمل شود و روابط بین انسان‌ها تلطیف گردد.

۹- عاطفه زیبادوستی، زیبا خواهی، زیباشناسی، این عاطفه نیز از رفتارهای ویژه قلبی است. زیرا زیبایی از هر نوع که باشد و در هر سطحی که باشد و برای هرگونه سلیقه‌ای و برای هر ملتی که باشد، یک وجه مشترک دارد و آن این است که در هر حال، انسان از درک زیبایی‌ها لذت می‌برد و این نوع از لذت، خاص قلب است و مبنای آن موضوعی شناختی و معرفتی است. درک زیبایی‌ها و لذت از رؤیت زیبایی‌ها، ریشه فیزیولوژیک و بیولوژیک ندارد. صورت زیبا، پرنده زیبا، تصویر زیبا، شعر زیبا و... برای قلب لذت بخشند. زیبایی حقایق، زیبایی صداقت، زیبایی سخاوت و... تنها توسط قلب ادراک می‌شود. طراحی و اجرای برنامه‌هایی که زیباشناسی و زیبادوستی را در انسان تقویت نماید و برنامه‌هایی که زیبایی‌های حقیقی و حقیقت زیبایی‌ها را برای دانش‌آموز بازشناسی نماید، موجب تقویت و رشد این استعداد مربوط به قلب خواهد گشت.

۱۰- عاطفه شجاعت، این رفتار عبارت است از اعتمادبه‌نفس و آمادگی روحی برای برخورد با مشکلات و خطرات. تفاوت این عاطفه با تهور آن است که تهور عبارت از برخورد با حوادث و مشکلات و خطرات، بدون آگاهی و دقت درباره جوانب آن، است ولی شجاعت مبنای معرفتی دارد و با توجه به جوانب امر و توجه به عواقب کار صورت می‌گیرد. به همین دلیل است که انسان پس از شکست، دچار ناامیدی و پشیمانی می‌شود ولی انسان شجاع، حتی پس از شکست در برخورد با مشکلات، به رفتار خود اعتماد دارد و دچار ناامیدی و پشیمانی نمی‌شود و بدون سرخوردگی، به فکر راه‌حل جدید مسئله با روش‌های تازه خواهد بود. طراحی و اجرای برنامه‌هایی که عاطفه شجاعت را در بین نونهالان و نوجوانان و جوانان تقویت نماید و آن را در جامعه جوانان فراگیر نماید، موجب خواهد شد که از بین نسل جوان، افراد شجاعی مثل مخترعین بزرگ، فرماندهان بزرگ و رهبران شجاع، ظهور کنند و جامعه اسلامی را به هنگامه بحران‌ها و ظهور فتنه‌ها و طوفان مشکلات، یاری دهند و رهبری نمایند.

۱۱- عاطفه غیرت، غیرت یعنی احساس شدید در دفاع از خویشتن و آنچه به انسان متعلق باشد مثل: دفاع از مرزهای اخلاقی، فرهنگی و سیاسی، مقدسات، سرمایه‌ها، خانواده و... در برابر حمله و تجاوزات اجانب. عاطفه غیرت، نیروی دفاعی انسان را چندین برابر می‌نماید و اگر در جامعه فراگیر شود، تمامی افراد را در برابر تجاوزات دشمن همسو و هم‌جهت و متحد و شجاع می‌نماید. طراحی و برنامه‌ریزی برای تقویت و رشد این توانایی قلبی در بین نوجوانان و جوانان و فراگیر کردن آن در بین ایشان، همچون منابع کشاورزی و معدنی است که جامعه را در برابر انواع محاصره‌های اقتصادی و سیاسی و کشاورزی و غیره محافظت می‌نماید.

### رابطه عاطفه با یادگیری از دیدگاه اسلام

در مکتب تربیتی اسلام یادگیری عبارت است از به ادراک قلب رساندن است ( نه به حافظه مغز رساندن). تفاوت ادراک قلبی با ادراک مغزی آن است که قلب بر اثر ادراک هر موضوع، متناسب با اثری که آن ادراک بر وجود انسان می‌گذارد، عاطفه خاصی را در رفتار انسان ظاهر می‌نماید. ولی مغز چنین عاطفه‌ای را نمی‌تواند در رفتار انسان ظاهر نماید. تفاوت دیگر بین ادراک قلب و مغز، آن است که ظرفیت و آمادگی قلب در اثر فهم و دانستن، بیشتر می‌شود و نشاط انسان بر اثر دانایی بیشتر، افزون‌تر می‌گردد ولی ذهن یا مغز با کار بیشتر خسته می‌شود و

دریافت مغز، کندتر می‌گردد. تفاوت دیگر ادراک قلبی با مغزی در آن است که قلب انسان هرگونه تحمیل را نمی‌پذیرد و آموزش‌های تحمیلی نه تنها اثر یادگیری ندارند، بلکه در دانش‌آموزان، عاطفه منفی ایجاد می‌نماید به طوری که عمداً آن موضوع را نمی‌فهمد؛ اما ادراک مغزی و سپردن به حافظه حتی به صورت تحمیلی، ممکن هست. لذا نتیجه می‌گیریم که برای ورود مطلب در قلب دانش‌آموزان باید از جلب عواطف دانش‌آموزان بهره برد. بروز عاطفه مثبت در رفتار دانش‌آموز نشانه آن است که دانش‌آموز آماده برای دریافت مطلب است. قلب دانش‌آموز به محض آنکه مطلب را نفهمد، عاطفه منفی نشان می‌دهد. لذا در آموزش از طریق قلب، به محض آنکه دانش‌آموز، اظهار عاطفه ابهام یا خستگی نمود، یا باید آموزش را موقتاً قطع نمود و یا باید روش تدریس را عوض کرد. متأسفانه، نظام کلاس محور کمتر می‌تواند به این اصول توجه کند. لذا استفاده از روش کلاس محور، موجب کم شدن توفیق در کسب نتایج بالای یادگیری خواهد شد. برای تشخیص و تحلیل و تعیین شاخص‌های یادگیری باید یادگیری را تحلیل عاطفی نمود. منظور از تحلیل عاطفی آن است که فرد، عاطفه متناسب با یادگیری موضوع را از خود نشان دهد. به دیگر سخن انسان وقتی موضوعی را یاد می‌گیرد که بتواند عاطفه متناسب با یادگیری آن موضوع را از خود بروز دهد؛ و اگر چنین عاطفه‌ای را از خود بروز ندهد یا در خود نیابد و وجدان نکند، یاد نگرفته است. حتی اگر مطلب مورد نظر را عیناً بازگو کند یا در ورقه امتحانی منتقل نماید ممکن است هنوز یاد نگرفته باشد و در این صورت مطلب مورد نظر تنها به حافظه فرد منتقل شده است نه ادراک قلب او. به عنوان مثال وقتی به معلم آموخته می‌رود که از مرده نباید ترسید زیرا کاری از او بر نمی‌آید یا کشیدن سیگار مضر است و یا ... ممکن است معلم این مطلب را ظاهراً به خوبی یاد بگیرد و بهترین سخنرانی را نیز در مورد آن بکند اما وقتی به مرده نزدیک شود بازم بترسد و یا اگر سیگاری به او تعارف کردند بازم قبول کند. آن ترس و این رغبت نشان آن است که مطلب مورد نظر هنوز به ادراک قلب او نرسیده است زیرا عاطفه‌ای را که در رفتار خود نشان می‌دهد با محتوای ادراکی که باید بنماید متضاد است (ناصح و ساکی، ۱۳۹۰).

### نیاز کودکان به محبت از دیدگاه اسلام

خداوند در موارد بسیاری در قرآن از محبت خویش یاد کرده است. «فان الله يحب المتقين» (آل عمران، ۳/ ۷۶)؛ (زیرا) خداوند پرهیزگاران را دوست دارد. «و الله يحب المحسنين» (آل عمران، ۳/ ۱۳۸)؛ و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد. زبان ارتباط با انسان‌ها، به ویژه کودکان، زبان محبت است و با خشونت و بی‌محبتی نمی‌تواند کسی را تربیت کرد. اهمیت روش محبت از این جهت است که محبت اطاعت آور است و سبب همراهی می‌شود. پیامبر اسلام فرموده است: «والمرء مع من أحب» انسان با کسی همراه است که او را دوست می‌دارد. میان محبت و اطاعت رابطه معیت وجود دارد، با ظهور محبت، اطاعت و همرنگی پیدا می‌رود وقتی محبت والدین در دل فرزند بنشیند فرزند مطیع و پیرو آن‌ها می‌شود و از وظایف و تکالیفی که بر عهده او می‌گذارند سرپیچی نمی‌کند. محبت عامل مهم در سلامت روحی و اعتدال روانی فرزندان است. استواری شخصیت و سلامت رفتار آنان تا اندازه‌ای زیاد به محبت بستگی دارد که در دوره تربیت دیده‌اند. محیط خانواده آکنده از محبت، سبب تلطیف عواطف و رشد فضایل در فرزندان می‌رود، فرزندان که در محیطی بامحبت پرورش می‌یابند، به ارجمندی می‌رسند و بهتر می‌آموزند و دیگران را دوست می‌دارند و در اجتماع رفتار انسانی دارند. با گرمای محبت است که زندگی معنا می‌یابد و چراغ استعدادهاى فرزندان شعله‌ور می‌شود انگیزه تلاش و خلاقیت آنان فراهم می‌گردد (میرشاه جعفری، ۱۳۹۰).

محبت به کودکان و نوجوانان یک شیوه‌ای اصیل انسانی و اسلامی است پیامبر بزرگ اسلام، بچه‌ها را خیلی دوست می‌داشت و به آن‌ها مهر می‌ورزید و همواره می‌فرمود: «احبوا الصبيان و ارحمهم» کودکان را دوست بدارید و با آن‌ها رحیم و مهربان باشید. والدین باید به طور قلبی و با رفتار خود به فرزندان نشان دهند که آن‌ها را دوست می‌دارند، این رفتار سبب واکنش مثبت فرزندان می‌شود و با اندکی بردباری نتایج پرباری را در بر خواهد داشت. والدین می‌خواهند در فرزندان تغییر به وجود بیاورند، شخصیت آن‌ها را شکل دهد و اعتقادات ویژه‌ای در ذهن آنان بیوراند، چگونه می‌شود بدون محبت و دوستی، ذهن فرزندان را به سوی تغییر در جهت مورد نظر آماده ساخت و به سوی رشد و کمال سوق داد؟ انسان به فطرت خود نیازمند محبت است و با هیچ چیزی چون محبت نمی‌تواند آدمی را متحول ساخت و او را به سوی کمال سیر داد. محبت سرمنشأ تربیت نفس‌ها و نرم شدن دل‌های سخت است، زیرا با هیچ چیز دیگر مانند محبت نمی‌توانند در دل آدمیان راه برد و دل ایشان را به دست آورد و آنان را از سرکشی و نادرستی و پلیدی بازداشت و به بندگی و راستی و درستی واداشت (صادقی، ۱۳۹۰). کودکان و نوجوانان حتی بزرگسالان به محبت نیاز دارند و این به علت انس، احتیاج و ضعف و ناتوانی فرد است. محبت در تعلیم و تربیت کودکان فوق‌العاده ضروری است، اگر آنان از والدین خود محبت ببینند از مقداری از ناسازگاری‌های خود دست برمی‌دارند. روان‌شناسان حتی ریشه بسیاری از انحرافات و کج روی‌ها را در کمبود محبت می‌دانند و معتقدند مادام که این نارسایی و کمبود در آنان جبران نشود امکان اصلاح در آن‌ها نخواهد بود. کودکان و نوجوانان بیش از بزرگان به محبت احتیاج دارند. آنان همان طوری که غذا می‌خواهند، به محبت و نوازش نیز نیازمند هستند. در پرتو محبت می‌توان احساسات و عواطف کودکان و نوجوانان را به خوبی پرورش داد و از او انسان شایسته ساخت. مربی نمی‌تواند بدون تأمین این نیاز با مربی رابطه برقرار کند و پیام تربیتی خود را به او برساند. ابتدا باید قلب مربی را فتح کرد و بعد بر عقل و اندیشه او تأثیر گذاشت. تا زمانی که مربی محب مربی نباشد، مستمع او نخواهد بود. انسان اسیر محبت و محکوم آن است تا

جایی که گفته‌اند: «الإنسان عبید الاحسان» احسان و اظهار محبت و دوستی می‌تواند انسان را تا سرحد بندگی به پیش ببرد. پروردگار جهان بندگان را دوست می‌دارد و دوستی او عامل رشد و تربیت آنان است و پلیدی‌ها را از روح و روان آنان می‌زداید. در قرآن کریم بارها از محبت خداوند به بندگان یاد شده است خداوند به‌عنوان مربی به حضرت موسی (ع) می‌فرماید: «وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةَ مَنِي وَ لِتَصْنَعَ عَلَيَّ عَيْنِي» (سوره طه/۳۹) و من محبتی از خودم را بر تو افگندم تا در برابر دیدگان من، ساخته شوی. امام صادق (ع) می‌فرماید: محبت خداوند این چنین بر شخصیت آدمی تأثیر می‌گذارد؛ «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا أَهَمَّهُ الطَّاعَةَ وَ الزَّمَهُ الْقِنَاعَةَ وَ فَهَّقَهُ فِي الدِّينِ»، زمانی خداوند بنده‌اش را دوست بدارد: ۱. اطاعت و فرمان‌پذیری را به وی الهام می‌کند؛ ۲. قناعت را در وی پرورش می‌دهد؛ ۳. بینش عمیق دینی را در وی افزایش می‌دهد (قائمی، ۱۳۹۳).

والدین که بتوانند بین خود و فرزندان پل دوستی برقرار سازند و با آنان صمیمی گشته و برخوردی سرشار از شادی و امید، محبت و بزرگواری داشته باشد، موفق‌اند است. این شیوه در تربیت آنان تأثیر فراوانی خواهد داشت. امام صادق (ع) فرموده است: «قال موسی (ع) یا رب ای الاعمال افضل عندک؟ قال: حب الاطفال فانی فطرتهم علی توحیدی»؛ حضرت موسی عرض کرد چه اعمالی نزد تو برتر است؟ فرمود: دوست داشتن کودکان؛ زیرا من آنان را بر فطرت یگانه‌ام آفریدم. پیغمبر اکرم (ص) فرمود: «لیس منا من لم یرحم صغیرنا و لم یوقر کبیرنا» کسی که به کودکان مهربانی و به بزرگسالان احترام نکند از ما نیست. مؤثرترین و کارآمدترین روش در تربیت استفاده از محبت است. محبت جاذبه می‌آفریند و انگیزه خلق می‌کند، انسان‌های پرتلاطم و مخرب را آرامش می‌بخشد و فرزندان نابهنجار و ناسازگار با محیط خانواده و اجتماع را آرام می‌کند. فرزندان قبل از این که در محیط خانواده به قانون و مقررات و... نیازمند باشند به مهر و محبت نیازمندند و سعادت و سلامت روحی آن‌ها هنگام تأمین می‌شود که محیط خانواده کانون عواطف، مهر، محبت، انس و الفت باشد، اگر پدر و مادر نتوانند به این نیاز مهم فرزند پاسخ دهند، احساس کم بینی در آن‌ها رشد نموده و در آینده به انحرافات فردی و اجتماعی کشانده خواهد شد. محیط خانواده باید سرشار از محبت باشد تا فرزند در پرتو حرارت و گرمی آن به تلاش و کوشش بپردازد (نوذری، ۱۳۷۹).

### دلایل تأکید اسلام به عامل تربیتی عاطفه

بدون شک هیچ روشی چون عاطفه در تربیت انسان مؤثر نیست و مفیدترین روش‌های تربیت به نیروی عاطفه کارایی پیدا می‌کند. جهان آفرینش بر اساس عاطفه و رحمت سامان یافته است، رشد معنوی و تربیت اخلاقی مستلزم پرورش سالم عواطف کودک است. در این زمینه نیز روایات بسیاری وارد شده است؛ امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ لَیَرْحَمُ الْعَبْدَ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَا أَنَّهُ هَمَانًا پُرُورِدْگَارِ بِنْدَه‌اش رَا بَه دَلِیلِ زَبَادِی مَهْرُورِزِی نَسَبِ بَه کُودِک خُودِ مِی بَخْشَیْد. هَمْچَنِین اَز رَسُولِ خُدا صَلی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ رَویْتِ شُدَه اَسْت: «مَنْ قَبَّلَ وَ لَدَّهُ کَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً وَ مَنْ فَرَّحَهُ فَرَّحَهُ اللَّهُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ»؛ هر کس فرزند خود را ببوسد خدا بر او پاداشی می‌نویسد و هر کس فرزندش را خوشحال کند خدا او را در روز رستاخیز شاد می‌گرداند؛ و در جای دیگری فرموده‌اند: «أَحِبُّوا الصِّبَّانَ وَ ارْحَمُوهُمْ»؛ کودکان را دوست بدارید و نسبت به آنان مهربان باشید؛ همچنین روایت شده است که روزی مردی خدمت پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! من ده فرزند دارم ولی هرگز کودک‌انم را نبوسیده‌ام. پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله فرمود: کسی که رحم نکند (مورد) رحم (واقع) نمی‌شود. رسول خدا صلی‌الله علیه و آله در مورد تربیت از سنین کودکی فرموده‌اند: هر کس فرزندش را از کودکی تربیت کند تا او بتواند بگوید «لا اله الا الله»، خداوند از او حساب نخواهد کشید. ابراز عاطفه و علاقه به کودک از دو جهت در شکل‌گیری شخصیت کودک مؤثر است. اول آن که بروز و ظهور استعدادها و قوای او که خداوند متعال در وجودش قرار داده تا حد زیادی به آن بستگی دارد. پیش‌ازاین به نقش اظهار محبت در این خصوص توجه نمی‌شد و بیشتر خانواده‌ها تربیت فرزند را، در اعمال خشونت و تنبیه بدنی می‌دانستند و پدر و یا مادر موفق را کسی می‌پنداشتند که فرزندان او هر چه بیشتر از او ترس به دل داشته باشند، در صورتی که هم‌اکنون این قضیه کاملاً به‌عکس است و تحلیلگران مسائل تعلیم و تربیت متفق‌اند که هیچ عاملی جای عاطفه و نوازش را در بروز و رشد استعدادها و شخصیت کودک نمی‌گیرد. والدین موفق کسانی هستند که توانسته باشند بین خود و فرزندان‌شان رابطه‌ای دوستانه و صمیمی بر پایه احترام متقابل ایجاد کنند (دلاور، ۱۳۹۰).

اظهار علاقه به‌صورت در آغوش کشیدن، بوسیدن و کلمات محبت‌آمیز گفتن و بازی با کودک و امثال آن است که به کودک شخصیت، اعتدال و اعتمادبه‌نفس می‌بخشد و کسانی هستند که از چنین کاری عاجز و یا بدان بی‌توجه‌اند و یا آن را منافی شأن و مرتبه خود می‌دانند. مادر نمونه آن است که به این موضوع نه به‌صورت نیاز خود، بلکه به‌صورت پاسخگویی و توجه به نیاز دائمی کودک بدان مبادرت ورزد و آن را حاکم بر تمامی رفتار و مناسبات خود با فرزند خویش کند. دیگر آن که کودک در آغوش گرم و محبت‌آمیز مادر و پدر است که نوع دوستی و عاطفه به دیگران و علاقه‌مندی به سرنوشت آنان را می‌آموزد. کودکی که خود از عاطفه کافی برخوردار بوده و در این زمینه اشباع شده است، دیگر دوست و محبت ورز است و به‌راحتی با کودکان دیگر می‌تواند به ایجاد رابطه دوستانه اقدام کند. چنین کودکی دچار انتقام‌جویی و عقده‌گشایی و حسادت و خیانت و سرکشی نمی‌شود و حتی‌الامکان بی‌مهری‌ها و تجاوزات دیگران را نیز با عفو و مهربانی پاسخ می‌دهد. چنین

انسانی کمتر در زندگی و روابط اجتماعی خود با شکست مواجه می‌شود و جاذبه‌های نیرومند وجودی و عاطفی رشد یافته‌اش همه را به سوی او می‌کشاند (کلبعلی، ۱۳۹۳).

### بررسی جایگاه و کاربردهای مهرورزی و عاطفه در سیره تربیتی رسول اکرم (ص)

پیامبر (ص) چهره پرفروغی است که مهرورزی و عشق و عاطفه را به جهانیان عرضه کرد. رمز موفقیت پیامبر (ص) رأفت، عاطفه، مهرورزی و عشق به انسان‌ها بود. پیامبر اکرم (ص) مظهر مهربانی است و برای آن‌که دل‌های بشریت را به هم نزدیک کند و بشریت را از توحش، جهالت و کینه‌ورزی‌ها دور کند، روش مهر ورزیدن را انتخاب کرد و پایه تمدن بزرگ اسلامی را بنیان نهاد. برای آشنایی بهتر باروحیه مهرورزی پیامبر (ص) و تأثیرات این شیوه مهم در آموزش و تربیت دیگران مطالب زیر را بیان می‌داریم. زندگانی پیامبر اعظم (ص)، نشان می‌دهد که مسائل تربیتی و اخلاقی، از اهمیت و جایگاه فوق‌العاده‌ای در اندیشه و سیره رفتاری آن بزرگوار برخوردار بوده است. برادری و اخوت مبتنی بر آموزه‌های نبوی (ص)، به‌عنوان یک اصل اخلاقی در جامعه کارساز بوده و گره‌گشای مشکلات رفتاری است. مگر نه این است که پیامبر عظیم‌الشأن (ص) و معمار نخستین جامعه توحیدی، در فضای خشک و خشن و آلوده به تعصبات و کینه‌توزی‌های جاهلی، پیمان برادری را از روزهای نخست ورودشان به مدینه، سرلوحه کار خویش قرار دادند؟ پیامبر اکرم (ص) برای ریشه‌کن کردن تعصبات جاهلی و پایه‌ریزی امت اسلامی به‌جای قبایل پراکنده و متخصص، از این روش کارساز استفاده کردند. در جامعه نبوی، هر برادری نسبت به برادر خویش در دشواری‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، دفاع در میدان جنگ، تعصب و حمایت از خانواده در غیبت یا شهادت و مرگ، موظف و متعهد بود. مبنای قرآنی چنین رفتار اجتماعی، همان آیه شریفه و معروف انما المومنون اخوه است. متأسفانه از این آیه معنای درستی در فرهنگ ما وجود ندارد و ما انما را همانا یا به‌درستی که معنا می‌کنیم؛ در صورتی که روح اصلی این آیه و جان کلام الهی در همین انمایی است که هیچ‌گاه درست معنا نشده است. انما علامت حصر است و معنایش چنین است که این است و جز این نیست که مؤمنان با یکدیگر برادرند. بر اساس این ترجمه، مفهوم کلام الهی این است که درخت ایمان را ما از میوه‌اش می‌شناسیم؛ یعنی اگر در جامعه اسلامی، شاخص‌های اخوت وجود داشت و مردم نسبت به یکدیگر خیرخواه، صادق، دلسوز، ایثارگر، وفادار و حقیقتاً یکدل بودند، مؤمن هستند. جامعه‌ای که مطرح شد، جامعه‌ای آرمانی است که شاید به‌راحتی نشود آن را ایجاد کرد. چون جامعه ظرفیت پذیرش آیات الهی را نداشته است، سطحی از دین‌داری را که با گوهر دین فاصله زیادی دارد، برای جامعه تعریف کرده‌ایم در جامعه ما وقتی سخن از اخلاق و درس اخلاق به میان می‌آید، بر اساس عادت، ذهنمان به سوی مجالس موعظه و نصیحت سوق پیدا می‌کند. بحث آموزش در میان ما، اساساً به‌عنوان یک نظام و آن‌هم از آغاز تربیت یعنی دوره کودکی، نوجوانی و جوانی مطرح نیست. نه برای آن برنامه داریم و نه به‌صورت جدی به چنین آموزشی به‌صورت نهایی باور داریم. ما از امیر مؤمنان علی (ع) حدیث مشهوری شنیده‌ایم که می‌فرماید: قلب جوان، چون زمین نکاشته، پذیرای هر بذری است که در آن افکنده شود. معمولاً در نظام تربیتی سنتی و اسلامی، اخلاق و تهذیب نفس جایگاه ویژه‌ای داشته و دارد. حال آن‌که در نظام آموزش و پرورش جدید، متأسفانه همه ارزش، اعتبار و موفقیت یک جوان به این است که بتواند مهندس یا پزشک شود. در نظام آموزشی اسلامی، تعریفی که از انسان مطلوب وجود داشت، سرلوحه کارها بود. آدم شدن و به کمالات انسانی نائل آمدن، اصل نظام حوزوی بوده و هست. در روایت آمده است: روزی رسول خدا صلی‌الله علیه و آله فرزندان خود حسن و حسین علیهما‌السلام را بوسید. اقرع بنحابس که شاهد آن جریان بود گفت: من دارای بیست فرزند هستم و تاکنون من هیچ‌یک از آنان را نبوسیدم! حضرت جمله‌ای به این مضمون فرمودند: به من چه اگر خدا خداوند عاطفه را از دست برده باشد! البته این نکته را نیز باید توجه داشت که خود ابراز محبت و عاطفه به‌صورت مثبت و معتدل که پیامد زیاده‌روی در آن را نداشته باشد هنری است که از هر کس ساخته نیست. اظهار علاقه به‌صورت در آغوش کشیدن، بوسیدن و کلمات محبت‌آمیز گفتن و بازی با کودک و امثال آن است که به کودک شخصیت، اعتدال و اعتمادبه‌نفس می‌بخشد و کسانی هستند که از چنین کاری عاجز و یا بدان بی‌توجه‌اند و یا آن را منافی شأن و مرتبه خود می‌دانند. مادر نمونه آن است که به این موضوع نه به‌صورت نیاز خود، بلکه به‌صورت پاسخگویی و توجه به نیاز دائمی کودک بدان مبادرت ورزد و آن را حاکم بر تمامی رفتار و مناسبات خود با فرزند خویش کند (هاشمی، ۱۳۹۳).

### فواید و آثار مهرورزی و محبت در تعلیم و تربیت

محبت به فرزندان دارای آثار خوب و فواید و یادی است که برخی آن‌ها عبارت‌اند از: ۱. محبت عامل شادابی و نشاط است. والدین هرچه به فرزند بیشتر محبت کند به شادمانی خاطر او بیشتر مدد رسانده و او را بیشتر دل‌خوش ساخته است؛ ۲. از این طریق شیوه محبت به دیگران را یاد می‌گیرد. فرزندی که مورد محبت واقع نشود، علاوه بر این‌که دچار اختلالات جسمی، روحی و روانی خواهد شد، در یادگیری محبت نیز دچار مشکل می‌شود و در آینده در محبت به دیگران نیز ناتوان خواهد بود؛ ۳. زمینه اعتمادبه‌نفس است. فرزندی که استقلال و اعتمادبه‌نفس داشته باشد، برای حل مشکلات در انتظار دیگران نمی‌نشیند بلکه باهمت عالی و اراده آهنین، وارد میدان عمل می‌شود و تا به

هدف نرسد، دست از کوشش و فعالیت برنمی‌دارد، ۴. از انگیزه‌های قوی فعالیت فرزندان است فرزندى که محبت می‌بیند بیشتر و زیادتى تن به کار می‌دهد و عرصه تلاش، تحصیل و رشد را زیباتر می‌بیند؛ ۵. محبت به فرزند می‌توان علاقه او را به خود جلب کرد و در نتیجه فرزند به والدین خود اعتماد و اطمینان می‌کند و با او ارتباط برقرار می‌کند و از آن‌ها حرف‌شنوی دارد و از این طریق زمینه تربیت فراهم خواهد شد؛ زیرا اصولاً انسان‌ها به‌ویژه کودکان و نوجوانان سر در گرو محبت دارند و محبت‌کننده خود را دوست دارند و مطیع فرمان او هستند.

حضرت علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «قلوب الرجال وحشیه فمن تألفها أقبلت علیه» قلب‌های انسان‌ها وحشی است هر کس به آن‌ها محبت کند به او روی خواهند آورد. نتیجه: والدین که به فرزندانش محبت بورزند آنان به سخنان آن‌ها با توجه بیشتری گوش فرا می‌دهند. والدین از طریق محبت می‌توانند با فرزندان ارتباط عاطفی و صمیمی برقرار کنند و آن‌ها را به کارهای مطلوب و انجام دادن عمل نیک وادار نموده و از کارهای ناشایست بازدارند و این خود گامی در راه وصول به کمال و تربیت مطلوب است (هاشمی، ۱۳۹۳).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

**بحث و نتیجه‌گیری**

عاطفه، به‌عنوان یکی از کلیدواژه‌های وحیانی در این تحقیق مورد توجه و بررسی قرار گرفت و مشخص گردید، یکی از مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، مبحث عاطفه و تفاوت آن با احساس است. عاطفه تمایل و جذبه‌ای است که عقل ارزشی به زیبایی‌ها و حقایق و ارزش‌ها و یقینیات نشان می‌دهد و محل تشکیل آن در قلب روحانی است. عواطف عالی انسانی در اثر معرفت و ایمان و عمل صالح پیدا می‌شود و ریشه معرفتی دارند. عاطفه رفتاری ابتکار عملی است. ولی احساس رفتاری است انفعالی که حاصل دریافت‌های حسی، غریزی، بیولوژیک، فیزیولوژیک، ژنتیک یا ذهنی است. در تعلیم و تربیت اسلامی بر تقویت و رشد عاطفه تأکید شده زیرا عاطفه اکسیر تعلیم و تربیت اسلامی است. که در کنار آن، احساس که یکی از ودایع الهی است، باید کنترل شود تا بر عقل و قلب انسان چیره نشده و موجب نابودی انسانیت نشود.

در زمینه رابطه عاطفه با قلب و استعدادهای قلبی، مشخص شد که آثار وجود قلب در رفتار انسان، بروز عواطف است. قلب در مقابل هرگونه ادراک، نوعی عاطفه نشان می‌دهد و شدت و ضعف و نوع عاطفه، متناسب با شدت تمایلات و نوع ادراکات قلبی است. احساس و عاطفه هر دو میل و رغبت و تمایل هستند و از قلب نشأت می‌گیرند که اگر این رغبت ریشه غریزی داشت، احساس بوده و اگر این رغبت ریشه معرفتی داشت، عاطفه هست. رابطه عاطفه با خلقت زن، به‌گونه‌ای است که خداوند متعال در شئون مهمی از حیات انسانی، زن را توانا تر از مرد آفریده است. خداوند زن را عاطفی خلق کرده تا با دردها و آلام فرزند آن همدردی نماید و بشریت را آرامش بخشد و عواطف عالی انسانی را پرورش دهد. چشمه عاطفه را که زبان قلب و رمز حیات و روابط انسانی است و نیز اساس تأسیس خانواده در جامعه بشری هست را در حقیقت زن به ودیعه نهاد تا انسان‌ها را عاطفه بیاموزد.

نهایت رشد عاطفه به عشق منتهی می‌شود. عشق حقیقی یعنی جذبه شدید عقلانی. در تعالیم اسلامی، عشق محصول و ثمره عقل ارزشی هست. نتیجه عرضه محبت به عقل ملکوتی، وداد و عشق است اما عرضه محبت به عقل ناسوتی و حسی، نتیجه‌ای جز دل‌بستگی به جنس مخالف و مال و دنیا و مقام و ثروت ندارد. اساس پرستش، عشق است؛ چنانکه دین هم جز محبت چیزی نیست. حال که موضوع عاطفه و دیدگاه اسلام در مورد آن، به‌روشنی مورد بررسی قرار گرفت؛ اهمیت و توجه به عواطف عالی انسانی، یکی از ارکان تعلیم و تربیت اسلامی به شمار می‌رود. به‌عنوان مثال عاطفه عمده‌ترین وسیله برای آموزش و یادگیری و مهم‌ترین ابزار ارزشیابی از آموخته‌ها است یعنی برای ایجاد آمادگی یادگیری در مرتبه، باید از روش‌هایی استفاده کرد که نتیجه آن، پدید آمدن عاطفه شوق و رغبت نسبت به موضوع باشد تا با این عاطفه مثبت، قلب مرتبی برای پذیرش آنچه آموزش می‌دهیم، آماده و مهیا گردد.

در نتیجه ضرورتاً باید در دستگاه آموزش و پرورش، برنامه‌هایی را طراحی و تدوین نمود و به اجرا گذاشت که توسط آن برنامه‌ها، عواطف عالی انسانی مورد توجه قرار گرفته و طبق دستورات اسلام، هدایت و تقویت شود. طبق مبانی تعلیم و تربیت قرآنی، باید نظام جدیدی برای آموزش و پرورش فعلی، طراحی کرد. چراکه طبق فرمایشات مقام معظم رهبری، نظام فعلی آموزش و پرورش که وارداتی است، توانایی تربیت انسان‌هایی در شأن جامعه اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی را ندارد. هرچند که در حال حاضر سند تحول آموزش و پرورش (معروف به سند ملی) در دستور کار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار دارد، متأسفانه هیچ برنامه و راهبرد و هدفی برای تربیت عواطف دانش‌آموزان و مربیان در نظر گرفته نشده است. برخی از عواطفی که در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، جهت آموزش به مربیان مورد تأکید است، شامل: عاطفه مهر، عاطفه پذیرش مهر و محبت، عاطفه انس و الفت، عاطفه فداکاری و ایثار، عاطفه شکر و سپاسگزاری و حق‌شناسی، عاطفه اعتماد به نفس و غرور مثبت، عاطفه صبر و حوصله، عاطفه خوش‌رویی، عاطفه زباده‌دوستی، زیبا خواهی، زیباشناسی، عاطفه شجاعت و عاطفه غیرت هست که اگر این عواطف، با تعلیم و تربیت اسلامی در جامعه فراگیر شود، هرکدام، به نوبه خود، انسان را در مواجهه با بحران‌ها و مشکلات و تلاطم‌های روحی و روانی و... مصون می‌گرداند.

عاطفه و مهرورزی در تعلیم و تربیت اسلامی از اهمیت بسیاری برخوردار است. چراکه انسان فطرتاً نیازمند محبت است و با هیچ چیز چون محبت نمی‌توان آدمی را متحول ساخت و او را به سوی کمال سیر داد. معلم بیشترین نقش را در تعلیم و تربیت دارد و یکی از بهترین شیوه‌ها در تعلیم و تربیت استفاده از محبت است. در این مقاله بر اساس روش کتابخانه‌ای، قرآن کریم، احادیث و کتاب‌هایی با موضوعات تعلیم و تربیت، اخلاق و روش‌های تربیتی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و بر اساس زمینه‌های عقلی و فکری چنین استنباط و نتیجه‌گیری می‌شود که معلم با توجه به رسالت خطیر خود یعنی انسان‌سازی، اگر از شیوه‌های مبتنی بر محبت استفاده کند می‌تواند به تأثیرگذاری خود یقین حاصل کند و آموزه‌های دین اسلام مؤید همین اصل می‌باشند.

## منابع و مراجع

- [۱] ابوطالبی، مهدی (۱۳۸۹). تربیت دینی از دیدگاه امام علی (ع). قم: مرکز انتشارات آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- [۲] بهشتی، محمد (۱۳۹۰). تربیت عاطفی از منظر امیرالمؤمنین (ع). فصلنامه تربیت اسلامی. چاپ چهارم.
- [۳] پور راوندی، قاسم (۱۳۹۰). جایگاه عاطفه و احساسات در تربیت دینی از دیدگاه علامه طباطبائی. مجله پژوهش دینی دانشگاه کاشان.
- [۴] جعفریان یسار، حمید (۱۳۹۰). مبانی، اصول، فلسفه و مکاتب آموزش و پرورش. قم: ظفر.
- [۵] حاجی ده آبادی، محمدعلی؛ صادق زاده قمصری، علی‌رضا (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی تربیت دینی. تهران: تربیت اسلامی.
- [۶] دلاور، علی (۱۳۹۰). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و علوم اجتماعی. تهران: انتشارات رشد.
- [۷] رضائی مقدم، مهدی (۱۳۹۲). تربیت دینی کودکان. کارشناسی امور تربیتی، مرکز تحقیقات معلمان شهرستان آران و بیدگل.
- [۸] رهنما، علی‌اکبر (۱۳۹۰). بررسی و تجزیه و تحلیل خاستگاه‌ها، غایات و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه کانت و خواجه‌نصیرالدین طوسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس، رساله دکتری.
- [۹] سلحشوری، احمد؛ یوسف زاده، محمدرضا (۱۳۹۰). جایگاه عقل و عاطفه در تربیت اخلاقی. فصلنامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی، شماره ۱۲.
- [۱۰] سلطانی رنایی، مهدی (۱۳۹۲). تحلیلی بر تأثیر و جایگاه عقل در اخلاق از نظر هیوم. فصلنامه اخلاق، شماره ۴.
- [۱۱] صادقی، عبدالعزیز (۱۳۹۰). نقش عاطفه در تربیت از دیدگاه پیامبر (ص). نشریه سخن صبا، شماره ۳: ۱۲-۲۵.
- [۱۲] عبیدی، کامران (۱۳۹۳). بررسی راه‌های تقویت تربیت دینی در دانش آموزان دوره‌ی ابتدایی. کارشناسی ابتدایی، مرکز آموزش عالی فرهنگیان استان قم.
- [۱۳] فیضی، علی؛ آشتیانی، محسن (۱۳۸۸). مبانی تربیت و اخلاق اسلامی. چاپ اول، قم: انتشارات روحانی.
- [۱۴] قائمی، علی (۱۳۹۳). تربیت برای زندگی (در جنبه عاطفی). مجله پیوند. شماره ۳۳۹.
- [۱۵] کاردان، علی محمد و همکاران (۱۳۸۹). درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۱): فلسفه تعلیم و تربیت، جلد اول. حوزه و دانشگاه. تهران: انتشارات سمت.
- [۱۶] کاردان، علی محمد (۱۳۹۴). سیر آراء تربیتی در غرب. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب، انتشارات سمت.
- [۱۷] کلبعلی، ایراندخت (۱۳۹۳). بررسی عواطف از منظر فیلسوفان متأخر غرب و متفکران مسلمان. رساله دکتری دانشگاه مفید قم.
- [۱۸] محمد نجفی، زهره متقی (۱۳۹۴). سازمان‌دهی نظام تربیت عاطفی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و سوم، دوره جدید، شماره ۲۹.
- [۱۹] مرزوقی، رحمت اله؛ صفری، یحیی (۱۳۹۰). مبانی و روش‌های تربیت عاطفی از منظر متون اسلامی. دو فصلنامه تربیت اسلامی، سال ۳، شماره ۵.
- [۲۰] میر شاه جعفری، ابراهیم (۱۳۹۰). بررسی جایگاه مهر و محبت در نظام تربیتی اسلام. رساله دکتری. دانشگاه تربیت‌معلم تهران.
- [۲۱] میرزا محمدی، محمدحسن (۱۳۹۱). اندیشه‌های نوین تربیتی. مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی. شماره ۱۴.
- [۲۲] [۲۲] ناصح، علی احمد؛ ساکی، ناسی (۱۳۹۰). جایگاه عقل و تعقل در تقابل و مهر و محبت در تعلیم و تربیت. فصلنامه شیعه‌شناسی، سال ۶، شماره ۲۱.
- [۲۳] نوذری، محمود (۱۳۷۹). جایگاه محبت در تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه طباطبائی و اقتضائات آن در تربیت عقلانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- [۲۴] هاشمی، صادق (۱۳۹۳). مراحل تشکیل محبت و عاطفه در شکل‌گیری تربیت. نشریه علمی پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۶، ۲۲-۱۰.
- [۲۵] یار محمدیان، احمد (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر تربیت عاطفی در اسلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ‌نشده. دانشگاه تربیت مدرس.